گزارش‌ها از افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی قیمت نوشت‌افزار و کوچک‌شدن سبد خرید خانواده‌ها حکایت دارد

مهر، نامهربان با جیب والدین

محدثه رضایی | خرید کیف، کفش، لباس فرم، دفتر، مداد و خودکار دغدغه هر ساله بسیاری از والدین دانش‌آموزان است که بخشی از سبد هزینه‌های خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد، سبدی که پر کردن آن، امسال دشوارتر از گذشته شده است.

در این میان، برخی دست‌اندرکاران از افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی قیمت عمده محصولات نوشت‌افزار نسبت به سال گذشته خبر داده و می‌گویند محصولات سلولزی مانند کاغذ، مقوا و دفتر، با دست‌کم ۱۰۰ درصد رشد قیمت، بیشترین افزایش را به خود اختصاص داده‌اند.

■ از دفتر ۳۶۰ هزار تومانی تا کاغذ با گرانی ۳۰۰ درصدی

مادر دو دانش‌آموز که سال گذشته برای خرید دفترهای فرزندانش حدود ۵ میلیون تومان پرداخت کرده؛ می‌گوید امسال با وجود اینکه تعداد کمتری دفتر خریده، هزینه‌اش از ۱۲ میلیون تومان گذشته است؛ بعد هم ادامه می‌دهد: قبلاً برای اینکه بچه‌ها در طول سال کمبودی نداشته باشند، چند دفتر اضافه هم می‌خریدم، اما حالا ترجیح می‌دهم هر دفتر را فقط وقتی تهیه کنم که واقعاً نیاز باشد.

پدری هم می‌گوید قیمت کیف‌ها نسبت به سال گذشته دست‌کم ۴۰ درصد افزایش یافته و با حقوق کارگری، خرید نوشت‌افزار ساده هم برایش دشوار شده است.

مادر یک دانش‌آموز ابتدایی هم با اشاره به افزایش قیمت‌ها در بازار عنوان می‌کند فقط وسایل ضروری را خریده و از خرید دفترهای فانتزی مورد علاقه فرزندش صرف‌نظر کرده است.

بر اساس برخی گزارش‌های میدانی، قیمت یک دفتر ۶۰ برگ از حدود ۱۸۰ هزار تومان در سال گذشته به ۳۶۰ هزار تومان و قیمت برخی بسته‌های خودکار نیز از حدود ۱۰۰ هزار تومان به ۱۵۰ هزار تومان در سال جاری رسیده است، این در حالی است که برخی خانواده‌ها علاوه بر دفتر و خودکار، باید هزینه مداد، پاک‌کن، تراش، مدادرنگی، جامدادی، کیف، قمقمه و ظرف غذا را نیز بپردازند.

بررسی برآوردهای منتشرشده از هزینه‌های بازار نیز نشان می‌دهد سبد متعارف نوشت‌افزار یک دانش‌آموز که در سال گذشته حدود ۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تا ۴ میلیون تومان هزینه داشت، امسال به حدود ۷ میلیون و ۵۰۰ هزار تا ۸ میلیون تومان رسیده است؛ یعنی خانواده‌ها برای تهیه مجموعه‌ای تقریباً مشابه از اقلام موردنیاز فرزندشان باید نزدیک به دو برابر سال گذشته هزینه کنند. البته این مبلغ بدون در نظرگرفتن هزینه‌هایی مانند کیف، کفش و لباس فرم است و با اضافه‌شدن این اقلام، رقم نهایی خرید مدرسه به‌مراتب بیشتر خواهد شد.

مهدی کلانتری، مدیرعامل مجمع نوشت‌افزار ایرانی اسلامی با بیان اینکه قیمت کاغذ در مقایسه با سال گذشته بیش از ۳۰۰ درصد افزایش یافته، اظهار می‌کند: گرانی برخی اقلام نوشت‌افزار نیز از ۲۰۰ درصد عبور کرده؛ افزایشی که به‌طور مستقیم هزینه تولید دفتر و محصولات کاغذی را بالا برده است.

کلانتری نوع کالا، مواد اولیه، برند و میزان وابستگی به واردات را از عوامل تعیین‌کننده قیمت می‌داند و اضافه می‌کند: محصولات داخلی افزایش قیمت کمتری داشته‌اند، اما اقلام وارداتی یا کالاهای وابسته به مواد اولیه خارجی، رشد قیمت بیشتری را تجربه کرده‌اند.

■ گرانی یک‌ساله در خرید یک‌روزه

محسن گلستانی، رئیس اتحادیه صنف فروشندگان نوشت‌افزار و لوازم مهندسی تهران افزایش ۵۰ تا ۱۰۰ درصدی قیمت نوشت‌افزار را تأیید می‌کند و به خبرنگار ما می‌گوید: ممکن است افزایش قیمت محصولات نوشت‌افزار در نگاه مردم تا حدی غیرمنطقی به نظر برسد؛ اما واقعیت این است خانواده‌ها معمولاً سالی یک‌بار و همزمان با بازگشایی مدارس، در شهریور نوشت‌افزار موردنیاز خود را خریداری می‌کنند.

مردم افزایش قیمت کالاهایی مانند لبنیات و دیگر اقلام مصرفی را به‌صورت روزانه و تدریجی لمس می‌کنند، اما در حوزه نوشت‌افزار طی یک خرید سالانه با مجموع افزایش قیمت‌ها مواجه می‌شوند؛ به همین دلیل فشار ناشی از گرانی این محصولات بیشتر احساس می‌شود و گلایه خانواده‌ها نیز قابل درک است. با این حال، عوامل مؤثر بر افزایش قیمت نوشت‌افزار مشخص و قابل بررسی است و قیمت‌گذاری این محصولات تحت نظارت سازمان حمایت قرار دارد. محصولات وارداتی مستقیماً از افزایش نرخ ارز تأثیر می‌پذیرند و تولیدات داخلی نیز عموماً به مواد اولیه خارجی وابسته‌اند؛ بنابراین افزایش نرخ ارز هزینه تولید آن‌ها را نیز بالا برده است. از طرفی قیمت مواد اولیه داخلی، از جمله محصولات پتروشیمی، عامل دیگری در افزایش هزینه تولید محسوب می‌شود. بخش عمده کالاهایی که اکنون در بازار عرضه می‌شوند، در اواخر بهار و تابستان تولید شده‌اند و مواد اولیه آن‌ها در اردیبهشت و خرداد، همزمان با اوج قیمت محصولات پتروشیمی خریداری شده است. افزایش دستمزدها و تورم عمومی نیز هزینه‌های تولیدکنندگان را بالا برده است. براساس بررسی‌های ما، تورم عمومی از شهریور سال گذشته تا شهریور امسال حدود ۸۰ درصد بوده و تورم کالاها نیز از ۱۰۰ درصد فراتر رفته است؛ بنابراین رشد قیمت نوشت‌افزار را نیز باید در چارچوب همین افزایش عمومی هزینه‌ها و تورم موجود در کشور ارزیابی کرد.

■ مهر ۱۲ میلیونی با نوشت‌افزار فانتزی

گلستانی در پاسخ به این پرسش که قیمت یک سبد حداقلی نوشت‌افزار برای دانش‌آموز دبستانی امسال چقدر است و کدام اقلام بیشترین افزایش قیمت را داشته‌اند، بیان می‌کند: اگر هزینه خرید کیف، قمقمه و ظرف غذا را جدا کنیم، تهیه یک سبد معقول و اقتصادی نوشت‌افزار برای دانش‌آموز دوره ابتدایی، بدون سهم قابل توجه کالاهای فانتزی، ۲ تا ۵ میلیون تومان هزینه دارد.

در صورت اضافه‌شدن اقلام فانتزی و لوکس، هزینه این سبد ممکن است تا حدود ۱۲ میلیون تومان افزایش پیدا کند. بیشترین افزایش قیمت نیز مربوط به محصولات سلولزی، از جمله کاغذ، مقوا و دفتر بوده است.

وی با اشاره به افزایش سهم محصولات ایرانی در بازار نوشت‌افزار اظهار می‌کند: ممکن است میزان تولید ما در برخی اقلام حتی کاهش پیدا کرده باشد، اما سهم تولیدات داخلی از بازار افزایش یافته است. این موضوع به آن معناست که سال گذشته، در تناسب میان تولیدات داخلی و کالاهای وارداتی، حدود ۶۰ درصد بازار به تولید داخل اختصاص داشت و محصولات وارداتی نیز حدود ۴۰ درصد بازار را در اختیار داشتند.

امسال دو عامل مهم و تأثیرگذار موجب تغییر این نسبت شده است. عامل نخست، محدودیت‌هایی بوده که در حوزه واردات وجود دارد و همین محدودیت‌ها موجب کاهش چشمگیر محصولات وارداتی در بازار شده است. عامل دوم این است اساساً به‌دلیل افت قدرت خرید مردم، بازار نوشت‌افزار کوچک‌تر شده است. ممکن است این بازار از نظر ارزش ریالی، به‌دلیل افزایش قیمت‌ها رشد کرده باشد، اما تعداد اقلامی که امسال مورد تقاضای مردم قرار می‌گیرد، در پی کاهش قدرت خرید خانواده‌ها کمتر شده است. بنابراین، افزایش سهم تولیدات داخلی در بازار به این دلیل اتفاق افتاده که بازار کوچک‌تر شده و حضور محصولات وارداتی نیز کاهش یافته است؛ اما این افزایش سهم الزاماً به معنای رشد میزان تولید داخلی نیست.

■ دولت سهم خود را برای تحصیل بپردازد

گلستانی درباره چشم‌انداز قیمت نوشت‌افزار خاطرنشان می‌کند: به‌دلیل رکودی که در بازار وجود دارد، افزایش چشمگیری را در قیمت‌ها پیش‌بینی نمی‌کنیم. با این حال، وضعیت محصولات کاغذی متفاوت است. دفترهایی که امروز در فروشگاه‌ها در اختیار مردم قرار دارند، با کاغذی تولید شده‌اند که قیمت آن مربوط به چند ماه پیش است؛ به این معنا که مردم اکنون کالاهایی را خریداری می‌کنند که کاغذ مورد استفاده در تولید آن‌ها، احتمالاً حدود سه ماه پیش تهیه شده است.

از آن زمان تاکنون، ممکن است قیمت کاغذ دو یا سه برابر افزایش یافته باشد. در نتیجه، همکاران ما با فروش دفتری که امروز در اختیار دارند، نه‌تنها سودی کسب نمی‌کنند، بلکه باید مبلغی نیز از سرمایه خود به درآمد حاصل از فروش اضافه کنند تا بتوانند همان میزان کاغذ موردنیاز برای تولید یا تأمین دوباره دفتر را بخرند.

وی با بیان اینکه برای کاهش فشار هزینه‌ها بر خانواده‌ها، دو اقدام را در دستور کار قرار داده‌ایم، عنوان می‌کند: اقدام نخست، همکاری با مؤسسات خیریه بوده است. همکاران ما در حوزه تولید و همچنین عرضه‌کنندگان نوشت‌افزار، در مواردی که توانایی داشته‌اند، محصولات خود را به‌صورت رایگان در اختیار خیریه‌ها قرار داده‌اند و در مواردی که امکان ارائه رایگان کالا وجود نداشته، نوشت‌افزار را با حداقل قیمت به خیران عرضه کرده‌اند. این محصولات در قالب بسته‌های نوشت‌افزار میان دانش‌آموزان مناطق محروم توزیع شده‌اند تا ان‌شاءالله شاهد کاهش ترک تحصیل در میان دانش‌آموزان باشیم.

اقدام دیگری که از سال گذشته آغاز کرده‌ایم، پیگیری معافیت اقلام پرمصرف نوشت‌افزار از مالیات بر ارزش افزوده است. متأسفانه این پیگیری تاکنون به نتیجه نرسیده، درحالی‌که امیدوار بودیم با اجرای آن بتوانیم قیمت این محصولات را حدود ۱۰ درصد کاهش دهیم.

همان‌طور که خیران وظیفه خود را به‌درستی انجام می‌دهند، دولت نیز باید سهم و مسئولیت خود را بر عهده بگیرد و از طریق معاف کردن اقلام پرمصرف نوشت‌افزار از مالیات بر ارزش افزوده، به کاهش هزینه‌های خانواده‌ها کمک کند. اجرای این معافیت، نخست می‌تواند قیمت محصولات را حدود ۱۰ درصد کاهش دهد و دوم، باید از سوی دولت به‌عنوان نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت در نظر گرفته شود. اگر امروز برای جلوگیری از کم‌سوادی و بی‌سوادی دانش‌آموزان کشور سرمایه‌گذاری نکنیم، ممکن است تا ۷۰ سال آینده ناچار باشیم پیامدها و هزینه‌های آن را در حوزه‌های اجتماعی، امنیتی و اقتصادی پرداخت کنیم.

قدس

خبر مشروح

نگاهی به گفت‌وگوی رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی

چرا میراث فرهنگی دیر به صحنه جرم می‌رسد؟

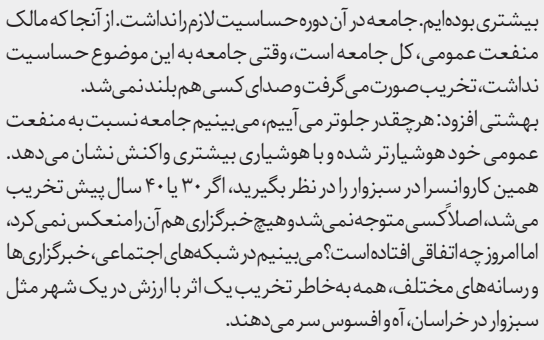

تخریب «پادگان روس‌ها» یا «خانه واجد ارزش تومانیان» در سبزوار، هنوز با واکنش‌ها و اعتراض‌های فعالان میراث فرهنگی همراه است که تصاویر تخریب یک خانه در بافت تاریخی تبریز منتشر می‌شود؛ اتفاقی تکراری که در سال‌های اخیر در شهرهایی چون کرمان، شیراز، تهران، اصفهان، مشهد، کاشان و... نیز بارها شاهد آن بوده‌ایم. تکرار چرخه این تخریب‌ها و ورود میراث فرهنگی پس از وقوع حادثه، این پرسش را پررنگ‌تر می‌کند که اساساً این نهاد در چه مرحله‌ای باید از خطر تخریب یک بنای تاریخی مطلع شود و چرا در بسیاری از موارد، زمانی وارد ماجرا می‌شود که دیگر امکان پیشگیری از تخریب از بین رفته است؟ محمد بهشتی، پیشکسوت میراث فرهنگی و رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی کشور در پاسخ به این پرسش با اشاره به تعارض میان منافع عمومی و خصوصی به ایسنا گفت: ما یک منفعت عمومی داریم و یک منفعت خصوصی یا اختصاصی. موضوع حفاظت از آثار باارزش، معمولاً جزو منافع عمومی است و کسانی که در همان موضوع، منافع خصوصی یا اختصاصی دارند، در بسیاری از مواقع این دو منفعت در تضاد و تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ یعنی حفظ یک منفعت، موکول به از دست رفتن منفعت دیگر می‌شود.

او ادامه داد: اگر یک مرور کلی بر ۴۰ سال گذشته داشته باشیم، می‌بینیم ترجیح منفعت خصوصی بر منفعت عمومی فراوان‌تر بوده و عملاً شاهد تخریب آثار بیشتری بوده‌ایم. جامعه در آن دوره حساسیت لازم را نداشت. از آنجا که مالک منفعت عمومی، کل جامعه است، وقتی جامعه به این موضوع حساسیت نداشت، تخریب صورت می‌گرفت و صدای کسی هم بلند نمی‌شد.

بهشتی افزود: هرچقدر جلوتر می‌آییم، می‌بینیم جامعه نسبت به منفعت عمومی خود هوشیارتر شده و با هوشیاری بیشتری واکنش نشان می‌دهد. همین کاروانسرا در سبزوار را در نظر بگیرید، اگر ۳۰ یا ۴۰ سال پیش تخریب می‌شد، اصلاً کسی متوجه نمی‌شد و هیچ خبرگزاری هم آن را منعکس نمی‌کرد، اما امروز چه اتفاقی افتاده است؟ می‌بینیم در شبکه‌های اجتماعی، خبرگزاری‌ها و رسانه‌های مختلف، همه به‌خاطر تخریب یک اثر با ارزش در یک شهر مثل سبزوار در خراسان، آه و افسوس سر می‌دهند.

به‌نظر من این اتفاق از این نظر که جامعه نسبت به میراث خودش حساس شده، اتفاق بسیار خوبی است.

وی درمورد بررسی‌هایی که درباره کاروانسرای تخریب‌شده در سبزوار انجام داده، اظهار کرد: من این موضوع را بررسی کردم. این بنا، بنای ارزشمندی بوده و اداره میراث فرهنگی بارها به مالک و شهرداری اعلام کرده بوده این بنا، اثر باارزشی است. اما مالک یک استشهاد محلی تهیه کرده که این بنا در حال تخریب و خطرناک است و با استناد به این استشهاد به شهرداری مراجعه کرده و گفته ملک من در حال تخریب و خطرناک است و این هم استشهاد محلی؛ اجازه تخریب بدهید.

پیشکسوت میراث فرهنگی ادامه داد: شهرداری هم به او اجازه تخریب داده؛ یعنی اصلاً ارزشمند بودن بنا را نادیده گرفته است. در صورتی که این بنا در یک جای بی‌نام و نشانی هم نبوده، بلکه یک بنای شاخص در شهر بوده است. بنابراین به نظر من اینجا غفلت از سوی شهرداری اتفاق افتاده است.

بهشتی در ادامه با اشاره به نقش مالک در این ماجرا گفت: البته مالک بنا هم براساس منفعت شخصی خودش این کار را انجام داده؛ یعنی در محاسباتش این‌طور دیده که اگر این بنا تخریب شود، چه مقدار زمین بدست می‌آورد، قیمت این زمین چقدر است و قطعاً سود فراوانی برای آن در نظر گرفته است. بنابراین منافع شخصی و اختصاصی در تعارض با منافع عمومی قرار گرفته است.

او اظهار کرد: برای همین فکر می‌کنم حتماً باید میراث فرهنگی اقدام قضایی و حقوقی داشته باشد.

رئیس پیشین سازمان میراث فرهنگی درباره اینکه میراث فرهنگی در چه مرحله‌ای باید از تصمیم مالک برای تخریب یک بنا مطلع شود، گفت: وقتی برای تخریب اثر از شهرداری درخواست می‌شود، این شهرداری است که باید استعلام بگیرد، میراث فرهنگی که علم غیب ندارد. سر همه ساختمان‌ها هم که حضور ندارند. شهرداری مأمورانی دارد که در شهر می‌چرخند و کوچک‌ترین تحرکی را در ساخت‌وساز می‌بینند و پیگیری می‌کنند. وقتی مالک برای چنین اقدامی درخواست می‌کند، شهرداری باید از میراث فرهنگی استعلام بگیرد و به این ترتیب میراث فرهنگی مطلع می‌شود و می‌تواند درباره موضوع اظهارنظر کند.

او افزود: اتفاقی که باید می‌افتاد این بود وقتی مالک برای تخریب درخواست می‌کند، شهرداری از میراث فرهنگی استعلام بگیرد، اما می‌بینیم عملاً شهرداری روی این موضوع چشم پوشیده و این کار را نکرده است.

بهشتی با اشاره به تعارض منافع احتمالی در این زمینه گفت: اینجا گفته می‌شود منافع اقتصادی و اختصاصی شهرداری مطرح است، چون شهرداری هم از این محل درآمد کسب می‌کند.

این پیشکسوت میراث فرهنگی در پاسخ به این پرسش که برای جلوگیری از تکرار چنین اتفاقاتی چه تغییری باید در نظام شناسایی، ثبت و حفاظت از بناهای تاریخی ایجاد شود، اظهار کرد: یکی از مهم‌ترین اتفاقات این است که باید به جریان ثبت آثار سرعت بخشید. الان این روند خیلی کند شده و باید سرعت آن را افزایش دهند. تعلل در این زمینه نباید تحمل شود. ستاد مرکزی وزارتخانه باید استان‌ها را مؤاخذه کند که چرا سرعت کارتان در این زمینه کم است.

بهشتی در ادامه، یکی دیگر از موضوعات مهم را دلایلی دانست که سبب می‌شود مالکان بناهای ارزشمند تمایل داشته باشند بنا ثبت نشود و گفت: دلایلی وجود دارد که مالکان ترجیح می‌دهند بناهای ارزشمندشان ثبت نشود. من می‌گویم آن‌ها حتماً یک عدم‌النفعی دارند؛ یعنی اگر بنا ثبت شود، سود کمتری برای آن‌ها خواهد داشت.

او در عین حال به تجربه برخی شهرها اشاره کرد که توانسته‌اند میان ارزش تاریخی و ارزش اقتصادی بناها ارتباط برقرار کنند و افزود: در برخی شهرها وزارت میراث فرهنگی موفق شده ارزش‌های تاریخی آثار را با ارزش‌های اقتصادی همسو کند، مثل اصفهان، کاشان، یزد و شیراز.

در این شهرها اگر یک اثر تاریخی وجود داشته و در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد، برای مالک بیشتر از زمانی ارزش دارد که ثبت نشده باشد. برای همین، خود مالکان داوطلب هستند این کار صورت بگیرد.